

تبیین و ارزیابی دیدگاه های رایج درباره ماهیت بانک و خلق پول بانکی و برخی از دلالت های فقهی و اقتصادی نظریه خلق اعتبار

پدیدآورنده (ها) : شاهچراغ، سید محمد صادق

میان رشته ای :: همایش مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق :: دوره ۲؛ ۱۳۹۹/۰۴/۰۴ - ۱۳۹۹/۰۴/۰۴

صفحات : از ۴۸۴ تا ۴۹۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1804526>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- هزینه های خلق پول در نظام بانکداری متعارف و راهکار تأمین مالی اسلامی
- ابعاد اقتصادی - فقهی پدیده خلق پول از منظر بانکداری اسلامی
- بررسی فقهی خلق پول به وسیله بانک های تجاری
- ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه های رایج و دلالت ها
- بررسی فرایند خلق پول شبکه بانکی در اقتصاد ایران
- ارزیابی توجیه پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی
- بررسی تاثیر سیاست های پولی بانک مرکزی بر خلق پول توسط سیستم بانکی
- نقدی بر دیدگاه های مکتب اتریش در رد پول کاغذی
- رویکردی نوین در مطالعات خلق پول مبتنی بر مالکیت به مثابه «بسته ای از حق ها» با نگاهی به اقتصاد اسلامی
- ماهیت بانک و دلالت های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی
- ارزیابی انتقادی رویکردهای موجود در هستی شناسی پول؛ ارائه تفسیری بدیل
- بهره (ربا) و مدیریت خلق پول در بانکداری موجود

عناوین مشابه

- ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه های رایج و دلالت ها
- اقتصاد پول و بانک و بیمه: بررسی تجربه برخی کشورها در زمینه بیمه های صادراتی
- عرضه یابی شبکه زنجیره تامین اعتبار نظام بانکی کشور با استفاده از رویکرد فرا ترکیب تفسیری انتقادی (سیستم های نرم (SSM) و سیستم های ابتکاری انتقادی (CSH)) (مورد مطالعه تامین اعتبار شرکت های فناور از طریق بانک ملت)
- بررسی تاثیر سیاست های پولی بانک مرکزی بر خلق پول توسط سیستم بانکی
- نقد نظریه ضریب فزاینده پایه پولی و برخی دلالت های اقتصاد کلان تئوری خلق اعتبار بانکی
- استصناع و کاربرد آن در نظام بانکی با تاکید بر دستورالعمل های ۱۳۹۰ / ۵ / ۲۵ شورای پول و اعتبار
- فقه بانکی: چالش فقهی تاخیر بازپرداخت دیون / بررسی ماهیت جریمه دیرکرد و دیدگاه های فقهی پیرامون آن
- تحلیل ماهیت فقهی و حقوقی ضمانت نامه های بانکی
- تحلیل فقهی ماهیت هزینه های پول در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران
- درآمدی بر مبادی نظری درونزایی پول و دلالت های سیاستی آن برای اقتصاد ایران

تبیین و ارزیابی دیدگاه های رایج درباره ماهیت بانک و خلق پول بانکی و برخی از دلالت های فقهی و اقتصادی نظریه خلق اعتبار

سید محمد صادق شاهچراغ

دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت مالی دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشگر حلقه بانکداری مقاومتی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام

Email: shahcheragh75@gmail.com

چکیده

در دوره های زمانی مختلف در قرن بیستم، سه نظریه متمایز و منحصر به فرد در مورد بانکداری برجسته بوده است. قدیمی ترین آن، نظریه خلق پول است که مدعی است هر بانک می تواند منفرداً از طریق عملیات حسابداری، از هیچ پول خلق کند. نظریه ذخیره جزئی بیان می کند تنها سیستم بانکی به عنوان یک کل می تواند به صورت جمعی خلق پول کند، درحالیکه هر بانک به تنهایی صرفاً یک واسطه گر مالی است که سپرده ها را جمع آوری می کند و به دیگران قرض می دهد. طبق نظریه واسطه گری مالی، رفتار بانک ها به عنوان واسطه های مالی به صورت انفرادی و جمعی، تفاوتی با موسسات مالی غیربانکی ندارد و آن ها قادر به خلق پول نیستند. (Werner, 2016)

ریچارد ورنر در یک مطالعه تجربی ثابت کرده است که نظریه ضریب فزاینده و واسطه گری مالی اعتباری ندارد و آن چه در عمل اتفاق می افتد با نظریه خلق پول از هیچ سازگار است. (Werner, 2014)

این که کدام یک از نظریات سه گانه مذکور را بپذیریم در تولید نظریه بانکداری اسلامی موثر است. در این مقاله ضمن تبیین و ارزیابی نظریات فوق و پذیرفتن نظریه خلق پول به عنوان سازگارترین نظریه با محیط واقع، به برخی از دلالت های فقهی-اقتصادی منتج از این نظریه اشاره شده است.

واژگان کلیدی: ماهیت بانک، خلق پول بانکی، خلق پول از هیچ

مقدمه

در دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ به نقش بانک در اقتصاد به طور عمده از دیدگاه اقتصاد کلان توجه می شد. اما بعد از دهه ۵۰ این نگاه به حاشیه رفت به طوریکه طی چند دهه گذشته تقریباً همه نگاه ها به بانک و مقررات احتیاطی آن ها، دارای ماهیت اقتصاد خرد بوده است اما پس از بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ آمریکا، دوباره توجه اقتصاددانان به ماهیت بانک و نقش آن در اقتصاد کلان جلب شد. (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۷)

در دوره های زمانی مختلف در قرن بیستم، سه نظریه متمایز و منحصر به فرد در مورد بانکداری برجسته بوده است. قدیمی ترین آن، نظریه خلق پول است که مدعی است هر بانک می تواند منفرداً از طریق عملیات حسابداری، از هیچ پول خلق کند. نظریه ذخیره جزئی بیان می کند تنها سیستم بانکی به عنوان یک کل می تواند به صورت جمعی خلق پول کند، درحالیکه هر بانک به تنهایی صرفاً یک واسطه گر مالی است که سپرده ها را جمع آوری می کند و به دیگران قرض می دهد. طبق نظریه واسطه گری مالی، رفتار بانک ها به عنوان واسطه های مالی به صورت انفرادی و جمعی، تفاوتی با موسسات مالی غیربانکی ندارد و آن ها قادر به خلق پول نیستند. (Werner, 2016)

پیش نیاز تدوین مقررات احتیاطی خرد و کلان و لازمه ضروری مدل سازی نظام مالی فهم دقیق از چپستی بانک و کارکرد آن در اقتصاد است که پس از بحران در بانک های مرکزی کشورهای پیشرو شدت گرفت اما متأسفانه این مقوله در ایران غفلت شد. (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۷)

سوالات مهم مقاله پیش رو این است:

- آیا بانک صرفاً یک نهاد واسطه ای مالی است؟ آیا بانک برای خلق پول چنانکه در رویکرد ضریب فزاینده بیان می شود، نیازمند جذب سپرده است؟ آیا نرخ ضریب فزاینده در خلق پول بانکی تاثیر دارد؟ آیا این تلقی با عملکرد بانک در واقعیت تطابق دارد؟

- دلالت های فقهی و اقتصادی پذیرش نظریه خلق پول از هیچ در باب ماهیت بانک چیست؟

تبیین نظریات رایج در باب ماهیت بانک

۱- نظریه واسطه گری وجوه

نظریه واسطه گری وجوه از اواخر دهه ۱۹۶۰، رویکرد برتر در اقتصاد بوده است که البته پس از بحران تضعیف شد. طبق این نظریه بانک ها تنها واسطه های مالی هستند که منابع مازاد سپرده گذاران را دریافت می کنند و به افرادی کمبود منابع دارند وام می دهند. این رویکرد نظریه واسطه گری مالی در بانکداری^۱ یا نظریه واسطه گری وجوه وام دادنی^۲ نامیده می شود. (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۷)

متداول ترین مدل ها، نظریه ها و کتب درسی در اقتصاد و مالی از اعتبار این نظریه دفاع می کنند. بر اساس آن بانک ها توانایی خلق پول را ندارند چه منفرداً (همانطور که نظریه خلق اعتبار بیان می دارد) و چه جمعا (همانطور که نظریه ذخیره جزئی بحث می کند). (Werner, 2014)

^۱ Financial Intermediation Theory Of Banking

^۲ Intermediation Of Loanable Funds(ILF)



دومین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۴ مرداد ۱۳۹۹ محل برگزاری: دانشگاه تهران

طبق نظر توبین (۱۹۶۳) (به نقل از Werner, 2016) بانک ها هیچ تفاوت ماهوی با سایر نهادهای مالی غیربانکی ندارند غیر از برخی از قواعد که صرفا در مورد بانک ها اعمال می شود مانند تودیع سپرده قانونی نزد بانک مرکزی و سقف های نرخ بهره. ریوردن^۳ (۱۹۹۳) (به نقل از Werner, 2016) می گوید:

«بانک ها به عنوان واسطه های مالی بین قرض دهندگان و قرض گیرندگان خدمت رسانی می کنند. به عبارت دقیق تر، بانک ها از سپرده گذاران قرض می گیرند و به سرمایه گذاران قرض می دهند...در اقتصاد سرمایه داری مالک اغلب پروژه های سرمایه گذاری کارآفرینان و بنگاه های بخش خصوصی است و توسط بخش خصوصی مدیریت می شود. به طور عموم، این سرمایه گذاران با کمبود سرمایه مواجه اند تا به طور کامل پروژه های خود را تامین مالی کنند بنابراین به دنبال وام هستند. بانک ها در آن طرف سپرده ها را جمع آوری می کند تا این وام ها را تامین کند.»

۲- نظریه ذخیره جزئی

این دیدگاه بین دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰ دیدگاه برتر بوده است. (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷) این نظریه نیز بیان می کند که هر بانک یک واسطه مالی است. با این تفاوت که سیستم بانکی از طریق فرایند بسط ضریب فزاینده خلق پول می کند. این رویکرد نظریه ذخیره جزئی در بانکداری^۴ یا نظریه ضریب فزاینده^۵ نامیده می شود. (Werner, 2016) یک بانک به تنهایی می تواند به اندازه ذخایر اضافی خود می تواند وام دهد بنابراین برابر با میزان سپرده های خود وام می دهد. اما سیستم بانکی می تواند از طریق فرایندی که خلق فزاینده سپرده نامیده می شود می تواند چند برابر سپرده هایی را که دریافت کرده است وام دهد. (Mishkin, 2010) این فرایند با یک مثال توضیح داده می شود:

فرض کنید یک فرد ۱۰۰۰ واحد در بانک الف سپرده گذاری کرده است. بانک طبق قانون می بایست ۱۰ درصد (نرخ ذخیره قانونی) آن را در بانک مرکزی سپرده گذاری کند. بانک می تواند مابقی پول را به فرد دیگری که نیاز دارد وام دهد. در حال حاضر هر دو نفر (سپرده گذار و وام گیرنده) فکر می کنند در حساب خود پول دارند. سپرده ۱۰۰۰ واحدی به ۱۹۰۰ واحد تبدیل شده است که شامل ۱۰۰۰ واحد سپرده اصلی و ۹۰۰ واحد به عنوان وام است. این ۹۰۰ واحد در اقتصاد به کار گرفته می شود و در نهایت در بانک ب سپرده گذاری می شود. بانک ب ۹۰ واحد آن را به عنوان ذخیره نگه می دارد و مابقی آن یعنی ۸۱۰ واحد را به فرد دیگری وام می دهد. این فرایند همینطور ادامه پیدا می کند. و در پایان این زنجیره کل سپرده های بانکی ۱۰۰۰۰ واحد است، یعنی سیستم بانکی از ۱۰۰۰ واحد پول اولیه ۹۰۰۰ واحد پول جدید خلق کرده است. (مصصامی و کیانپور، ۱۳۹۴) قابل توجه است که این عمل محصول رفتار سیستم بانکی است نه یک بانک. (Werner, 2016) البته این فرایند در کتب درسی با آغاز از عملیات بازار باز بانک مرکزی یا سپرده گذاری نزد بانک تبیین می شود. (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷)

^۳ Riordan

^۴ Fractional Reserve Theory Of Banking

^۵ Deposit Multiplier(DM)



۳- نظریه خلق پول

دیدگاه سوم درباره ماهیت بانک که در دو دهه اول قرن بیستم حاکم بود همانند نظریه ذخیره جزئی معتقد بود که نظام بانکی خلق پول می کند، ولی بانک به تنهایی همه وام ها را از هیچ خلق می کند. این رویکرد نظریه خلق پول در بانکداری^۶ یا نظریه تامین مالی مبتنی بر خلق پول^۷ نامیده می شود. (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۷)

مک لئود (۱۸۹۱) در تئوری خود در این رابطه می گوید: «بنابراین بانک یک اداره (یا سازمان) نیست که پول قرض بگیرد و قرض دهند بلکه کارخانه تولید اعتبار است.» طبق این تئوری بانک ها خلق اعتبار می کنند در قالب آن چیزی که بانکداران به آن سپرده می گویند و این اعتبار پول است. در واقع بخش اعظمی از سپرده های بانکی که در سمت چپ ترازنامه بانک ها دیده می شود، وجه نقدی نیست که مردم سپرده گذاری کرده اند بلکه اعتباراتی است که بانک خلق کرده و برای هر وام یک سپرده ایجاد کرده است. (Werner, 2014)

در این رویکرد آغاز فرایند با یک قرض گیرنده (سرمایه گذار الف) است، که بانک پس از ارزیابی ریسک اعتباری او، قرارداد وام را با او امضا می کند. هنگامی که این وام در حساب های بانکی به عنوان یک دارایی ثبت می شود، به طور هم زمان، یک سپرده جدید نیز به همان مقدار به عنوان بدهی در حساب های بانک ثبت می شود. هم وام و هم سپرده به نام سرمایه گذار الف است و این بدین معناست که این فرایند شامل هیچ گونه واسطه گری و جوه نیست. سرمایه گذار الف برای تهیه ماشین آلات از سرمایه گذار ب پول موجود در سپرده خود را به حساب وی منتقل می کند. نکته مهم این است که پس انداز سرمایه گذار ب نتیجه غیرارادی فرایند وام دهی و سرمایه گذاری است نه علت آن. در پایان این فرایند هویت سرمایه گذار الف و ب با یکدیگر متفاوت است ولی این بدین معنا نیست که بانک واسطه گر و جوه میان این دو نفر شده است. بلکه بانک قدرت خرید جدیدی تنها برای شخص الف خلق کرده که در مرحله بعد به واسطه نظام تسویه به فرد ب منتقل شده است. (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۷)

ارزیابی دیدگاه های رایج در باب ماهیت بانک

ورنر این مقوله را به صورت تجربی آزمون کرده است؛ زمانی که تمامی رویه های ضروری اعطای اعتبار در بانک طی می شود (از شناخت مشتری و درجه اعتباری وی تا رتبه بندی ریسک و اعتبار سنجی دقیق مشتری برای انعقاد قرارداد با جزئیات کامل) و قرارداد امضا می شود حساب وام گیرنده به میزان وامی که دریافت کرده است شارژ می شود و اعتبار پیدا می کند. نکته مهم این است که بانک قادر است برای وام گیرنده به میزان اصل وام اعتبار ایجاد کند بدون آن که از حساب داخلی یا خارجی خود پول خارج کند - بدون کاهش ذخایر خود نزد بانک مرکزی (طبق نظریه ضریب فزاینده) یا کاهش جوه از حساب افراد دیگر (طبق نظریه واسطه گری و جوه) - این گواه مشهودی است که بانک قادر است از هیچ خلق اعتبار کند. بنابراین نظریه خلق پول تایید و نظریه ضریب فزاینده و واسطه گری و جوه رد می شود. (Werner, 2014)

همانطور که گفته شد اعطای وام به معنای خلق قدرت خرید است که مترادف با افزودن بر حساب سپرده شخص وام گیرنده است. ممکن است گفته شود خرج کردن وام اعطایی از طریق خروج سپرده از بانک وام دهنده، بانک را در معرض ریسک نقدینگی قرار دهد. اما باید دقت داشت که بانک ها معمولاً به صورت جمعی و مشابه اقدام به بسط (و قبض) وام دهی می کنند و بنابراین به جهت برابری متوسط مطالبات و بدهی های بانک ها در تسویه بین بانکی، قدرت سازوکار تسویه بین بانکی در

^۶ Credit Creation Theory Of Banking

^۷ Financing Through Money Creation(FMC)



محدود کردن بسط خلق پول بسیار محدود خواهد بود و ذخایر مورد نیاز برای تودیع سپرده قانونی به خاطر سپرده های تازه ایجاد شده به صورت درون زا قابل دسترسی است. (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵)

دلالت های اقتصادی

قاعده گذاری بر بانک ها

قاعده گذاری بانک ها بر اساس فهم شایع از نقش بانک ها صورت می گیرد. طی ۴۰ سال گذشته که نظریه واسطه گری مالی غالب بوده است، تمرکز قواعد بانکی بر کفایت سرمایه بوده است. بعد از آن که نظریه ذخیره جزئی غالب شد، الزامات ذخایر (ذخایر قانونی) به عنوان اصلی ترین راه برای قاعده گذاری بر فعالیت های بانک مطرح شد. اما هیچ یک از این دو قاعده موفق نبوده اند.

شکلی از قاعده گذاری بانک ها وجود دارد که به صورت تجربی موفق بوده است که بر مبنای صحت نظریه خلق اعتبار (خلق پول از هیچ) است. بسیاری از بانک های مرکزی با اعمال مقررات بر بانک ها با تمرکز بر کمیت و تخصیص اعتبارات آن ها، در چندین دهه به طور موفقیت آمیزی از بحران های بانکی جلوگیری کرده اند. آن چه که به عنوان «هدایت اعتبار»^۸ یا «هدایت پنجره ای»^۹ شناخته می شود؛ چنین سیاستی قلب سیاست های اقتصادی در دوران رشد بالای اقتصادی کشورهای شرق آسیا مانند ژاپن، کره، تایوان و چین بوده است. اعمال چنین سیاستی اعتبارات بانکی را برای فعالیت های غیرمولد^{۱۰} متوقف می کند، بنابراین از حباب دارایی ها و به تبع آن بحران بانکی جلوگیری می شود. زمانی که اعتبارات بانکی به فعالیت های مولد هدایت شوند، رشد بالا و باثبات اقتصادی و بدون تورم قابل دسترس است همانطور که نظریه مقداری اعتبار^{۱۱} معتقد است. (Werner, 2016)

سیاست هدایت اعتبار به طور رسمی و گسترده اولین بار توسط بانک مرکزی آلمان در سال ۱۹۱۲ اجرا و سپس در دهه ۱۹۲۰ توسط فدرال رزرو کپی شد اما بیشترین تاثیر در تاریخ اقتصادی را زمانی داشت که سیاست مذکور به طور گسترده ای توسط بانک های مرکزی ژاپن، کره و تایوان در اوایل دهه ۱۹۴۰ در طی جنگ جهانی دوم اتخاذ شد. در سال ۱۹۹۳ بانک جهانی اذعان کرد که مکانیسم دخالت در تخصیص اعتبار، عامل اصلی معجزه اقتصادی شرق آسیا بود. (خاندوزی و مقیسه، ۱۳۹۷)

تعیین عرضه پول توسط بانک های تجاری نه بانک مرکزی

نظریه درون زایی پول^{۱۲} که بیان دیگری از نظریه خلق پول است، توضیح می دهد بانک ها به جای این که منتظر سپرده گذاران باشند تا پولشان افزایش یابد قادرند هر زمانی که بخواهند البته با محدودیت هایی خاص وام دهند. در فرایند وام دادن بانک ها سپرده ایجاد می کنند و عرضه پول را افزایش می دهند. این منجر به خلق قدرت خرید جدید در اقتصاد می شود. اگر بانک ها به واسطه وام دادن نیاز به ذخایر بانک مرکزی داشته باشند می توانند از راه های مذکور استفاده کنند. نائب رئیس

^۸ Credit Guidance

^۹ Window Guidance

^{۱۰} Non-GDP Transaction

^{۱۱} Quantity Theory Of Credit

^{۱۲} Endogenous Money Theory

فدرال رزرو در سال ۱۹۶۹ می گوید: در جهان واقع بانک ها اعتبارات را افزایش می دهند سپرده ها را خلق می کنند و سپس به جستجوی ذخایر می روند:

بانک ها وام می دهند خلق سپرده می کنند» افزایش تقاضا برای ذخایر جهت تسویه پرداخت ها «بانک مرکزی این ذخایر را فراهم می کند

طبق فرایند فوق اصلی ترین دلالت آن این است که بانک های تجاری به جای بانک مرکزی عرضه پول را تعیین می کنند. این برخلاف نظریه ضریب فزاینده است که می گوید بانک های مرکزی در مورد عرضه پول تصمیم می گیرند و بانک ها به صورت منفعلانه واکنش نشان می دهند، صرفا با وام دادن سپرده هایی که دریافت کرده اند. (Jackson & dyson , 2012)

لازم به ذکر است بانک ها برای تسویه های بین بانکی نیاز به ذخایر^{۱۳} دارند. این ذخایر را از ۳ طریق می توانند کسب کنند: ۱- ذخایر بانک مرکزی ۲-بازار بین بانکی ۳-سپرده های مردم (Jackson & dyson 2012,)

عدم توجه به این واقعیت سبب اتخاذ سیاست های پولی اشتباه در چند سال گذشته شده است. سیاست عدم استقراض از بانک مرکزی و جلوگیری از رشد پایه پولی در جهت کنترل نقدینگی و تورم که از سال ۱۳۹۲ به بعد در پیش گرفته شد. هرچند که در اوایل نتایج به نظر مثبت می آمد و حتی در سال ۱۳۹۶ تورم کشور تک رقمی شد، اما دیری نپایید که آثار سوء این سیاست ها از جمله تورم بالا، رشد بدهی بانک ها به بانک مرکزی یعنی رشد فزاینده برداشت بانک ها و به تبع آن رشد پایه پولی، ناترازی بانک ها و رفتن سراغ ایجاد دارایی های موهومی برای ترازکردن ترازنامه های خود و.. نمایان شد. (نصیری، ۱۹۷)

سیاست های توسعه ای

مدل های رشد کینزی که توسط هارود^{۱۴} و دومار^{۱۵} ارائه شد از نظریه واسطه گری مالی تبعیت می کند و ادعا می کند که پس انداز برای سرمایه گذاری و به تبع آن رشد اقتصادی ضروری است. این نظریه ها و غالب نظریات اخیر توسط صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در توصیه های سیاستی آن ها به کشورهای در حال توسعه، گسترش یافته اند تا علی الظاهر از وام دهند های خارجی پس اندازهای ضروری برای سرمایه گذاری و رشد اقتصادی دریافت کرده و آن را با کمبود پس انداز داخلی جایگزین کنند. هرگاه یک کشور در حال توسعه منابع و دارایی های جذاب داشته باشد بانک های بین المللی مشتاق هستند که پس از موسسات واشنگتن به آن ها وام دهند. بنابراین بسیاری از کشورهای در حال توسعه انباشت عظیمی از بدهی های خارجی دارند. این بدهی ها با ارز خارجی منتشر شده است و بهره نیز دارد.

توصیه به قرض خارجی به شدت در تعارض با منافع کشورهای در حال توسعه است؛ زیرا آن ها را با ریسک نرخ ارز خارجی مواجه می کند. اغلب باعث انباشت شدن بدهی ها و سود آن ها با فزونی وام های دریافتی می شود. رئیس بانک آلمان می گوید: وام های خارجی برای رشد اقتصادی ضروری نیستند زیرا وام دهندگان خارجی صرفا از طریق خلق اعتبار بانکی، پول را از هیچ خلق می کنند چیزی که خود وام دهندگان در کشورشان می توانند بدون هیچ وام خارجی انجام دهند.

^{۱۳} Reserve

^{۱۴} Harrod (1939)

^{۱۵} Domar (1947)

این جایگزین رویکرد مورد توافق واشنگتن برای کمک به کشورهای در حال توسعه در کشورهای شرق آسیا به نمایش گذاشته شده است. اقتصادهای به شدت موفق ژاپن، تایوان، کره و چین که همگی مکانیسم های هدایت اعتبارات بانکی داخلی به فعالیت های مولد را استفاده کرده اند.

درس مهم دیگری که می توان گرفت در مورد سیاست های مالی ای^{۱۶} است. دولت ها می توانند مخارج خود را از طریق اعتبارات بانکی به جای انتشار اوراق انجام دهند. رشد عرضه پول، رشد اسمی تولید ناخالص داخلی و درآمدهای مالیاتی به تبع آن به وجود می آید. (Werner, 2016)

دلالت های فقهی

اولین و مهم ترین گام در طراحی بانکداری اسلامی شناخت دقیق و کامل ماهیت بانک و نقش آن در اقتصاد است. به عبارت دیگر تا موضوع به درستی شناخته نشود نمی توان حکم را به درستی استنباط کرد. تلقی غالب در میان اندیشمندان بانکداری اسلامی آن است که بانک یک نهاد واسطه مالی یا واسطه وجوه است که پس اندازه های مردم را به صورت سپرده و در مقابل پرداخت سود جمع می کند و آن ها را در قالب وام و در مقابل دریافت سود در اختیار متقاضیان قرار می دهد. در این رویکرد مهم ترین مشکل بانک، قرض ربوی و هر فعالیتی است که در آن شبهه ربا وجود دارد بنابراین تمرکز مطالعات بانکداری اسلامی بر حذف ربا از نهاد بانک است. (دولت آبادی، ۱۳۹۳)

سوالات اصلی که در این زمینه با آن مواجه هستیم عبارتند از:

آیا ماهیت خلق پول بانکی و نهادی که از هیچ خلق پول می کند با ضوابط شرعی سازگاری دارد؟

آیا نهاد خالق پول از هیچ می تواند در مالکیت بخش خصوصی باشد؟

روابط بین سپرده گذاران و تسهیلات گیرندگان با بانک طبق نظریه خلق پول چگونه خواهد بود؟ سود سپرده گذاران طبق چه عقدی و چگونه توزیع می شود؟

درودیان و سبحانی (۱۳۹۵) در مطالعات خود به سوال اول پاسخ داده اند. این پژوهش با تاکید بر دو معیار عدالت و مولدیت خلق پول را مورد قضاوت قرار داده اند؛ رویه موجود خلق پول بانکی از حیث انطباق با معیار عدالت یعنی برابری در فرصت ها و غیرتبعیض آمیز بودن قواعد و نیز از جنبه عدالت توزیعی، ناموجه و قابل انتقاد است. از حیث معیار مولدیت، خلق اعتبار به مثابه یک قابلیت نهادی، ظرفیتی برای عرضه منعطف اعتبار و ایجاد امکان اکتساب نهاده های بیکار تولید برای کارآفرینان است بنابراین به صورت بالقوه ابزاری کارا تلقی شده اما فعلیت یافتن آن نیازمند قاعده گذاری توسط حاکمیت با هدف هدایت انگیزه های نفع طلبانه بانک های تجاری و جهت دهی آن ها به سوی اولویت های مطلوب اجتماعی است.

تقریباً تمامی متون بانکداری اسلامی بر اساس نظریه واسطه گری وجوه یا ضریب فزاینده نگاشته شده است اما اگر بخواهیم طبق نظریه خلق پول به مباحث اسلامی در سیستم بانکداری توجه کنیم شاید گریزی از بازنگری در برخی اصول و طراحی متفاوت عقود و قراردادهای نداشته باشیم. (درودیان و سبحانی، ۱۳۹۵)

همانطور که بیان شد طبق نظریه خلق پول از هیچ بانک ملزم به جذب سپرده نیست به عبارت دیگر سپرده گیری مقدم بر وام دادن نیست. بانک وام می دهد و به میزان ارزش وام برای فرد در بانک اعتبار در قالب سپرده ایجاد می کند. سپرده گیری بانک در جهت تسویه بین بانکی و تودیع ذخایر قانونی بانک مرکزی انجام می شود. در این فرایند ممکن است ترتیبات فقهی و چارچوب هایی که در عقود اسلامی در بانکداری بدون ربا و بانکداری اسلامی طراحی شده است، محل اشکال باشد. سپرده

^{۱۶} Fiscal Policy



دومین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۴ مرداد ۱۳۹۹ محل برگزاری: دانشگاه تهران

گذاران به صورت غیرمستقیم در درآمدزایی بانک موثر هستند زیرا سپرده مشتریان منجر به تسویه بین بانکی و تودیع ذخایر قانونی می شود و به بانک اجازه فعالیت در نظام بانکی را می دهد تا بتواند از محل تسهیلات و سرمایه گذاری ها - که طبق نظریه خلق پول، از هیچ ایجاد شده است - سودآوری داشته باشد. بنابراین تفکیک درآمدهای بانک به مشاع و غیرمشاع وجاهت نظری نخواهد داشت و سپرده گذاران در همه درآمدهای بانک شریک هستند. توزیع این سود و فرایندهای حسابداری آن محل سوال است؟ (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۷)

دلالت دیگر این است که در طراحی عقود این گونه فرض شده است که بانک منابع را از سپرده گذاران دریافت می کند و آن ها را به نمایندگی از صاحبان سپرده در بخش های مختلف سرمایه گذاری کرده ، تسهیلات می دهد و سود حاصل را پس از کسر حق الوکاله به نسبت سپرده هر مشتری تقسیم می کند. اما طبق نظریه خلق پول بانک تسهیلات داده است بدون این که نیاز به جذب سپرده داشته باشد. بنابراین وکالت موضوعیت ندارد و سوال اصلی این است که رابطه بانک و سپرده گذار طبق چه عقدی صورت می گیرد؟

دلالت دیگر در مورد مالکیت چنین نهادی است که به نظر می رسد نباید در اختیار بخش خصوصی باشد چرا که حق خلق پول از هیچ، به واسطه حمایت حاکمیت و اعتماد مردم به حاکمیت به وجود آمده است. پس استفاده از این امتیاز در راستای منافع بخش خصوصی وجاهت نظری ندارد. اما با توجه به فضای واقعی نظام بانکی کشور، بهتر است نظام انگیزشی در راستای هدایت خلق پول بانکی طراحی شود تا پول خلق شده به سمت فعالیت های مولد و سودآور که خیر اجتماعی را به دنبال دارد، سوق داده شود.

جمع بندی

در این پژوهش، سه نظریه در باب ماهیت بانک و خلق پول تبیین شد؛ نظریه واسطه گری وجوه که تفاوت ماهوی بین بانک و نهادهای مالی غیربانکی قائل نمی شود. بانک تنها نقش واسطه بین دارندگان مازاد منابع و متقاضیان وجوه را ایفا می کند. نظریه ضریب فزاینده بانک را به تنهایی یک واسطه مالی در نظر می گیرد اما قائل است که اگر به سیستم بانکی به عنوان یک کل نگاه شود بانک ها قادر به خلق پول از طریق فرایند بسط ضریب فزاینده هستند. نظریه خلق پول از هیچ نیز بیان می دارد که بانک چه منفردا و چه جمعا می تواند از هیچ خلق پول کند. در واقع وام دادن بانک یعنی همان خلق سپرده و اعتبار بدون هیچ سپرده گیری قبلی. طبق بررسی تجربی ریچارد ورنر نظریه خلق پول از هیچ، مطابق با واقعیت نظام بانکی است و آن چه در عمل رخ می دهد مغایر با نظرات واسطه گری و ضریب فزاینده است. در نهایت به برخی از دلالت های اقتصادی و فقهی نظریه مختار اشاره شد. قاعده گذاری بر بانک ها از طریق مکانیسم هدایت اعتبار، تعیین عرضه پول توسط شبکه بانکی نه بانک مرکزی، استفاده از خلق اعتبارات بانکی داخلی به جای قرض خارجی، اصلاح عقود بانکی، عدم ترجیح در مالکیت بخش خصوصی، اصلاح روابط سپرده گذاران با بانک و تعیین تکلیف سود آنان از جمله آن هاست. در مطالعات بعدی لازم است تا دلالت های بیشتری از نظریه مختار استخراج شود و اصلاحات لازم اقتصادی و فقهی را طبق آن پیشنهاد داد.

منابع و مأخذ

۱. حسینی دولت آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۵)، «ماهیت بانک و دلالت های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۷۳-۱۹۸
۲. خاندوزی، سید احسان و مقیسه، محسن (۱۳۹۷)، «نقد برنامه های توسعه ایران از منظر ارتباط بخش مالی و واقعی»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، شماره ۶۱، صص ۱۷۷-۲۰۱
۳. سبحانی حسن و درودیان حسین (۱۳۹۵)، «ارزیابی توجیه پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی»، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۶۴، زمستان ۱۳۹۵
۴. صمصامی حسین و کیانپور فرشته (۱۳۹۴)، «بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی معرفت اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
۵. کمیجانی اکبر، ابریشمی حمید و روحانی سید علی (۱۳۹۷)، «ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه های رایج و دلالت ها»، فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۹-۳۸
۶. نصیری اقدم، علی (۱۳۹۷)، «سیاست پولی و هدایت اعتبار»

۹

7. Jackson, A; Dyson, B. modernising money; why our monetary system is broken and how it can be fixed (2012)
8. Mishkin, Frederic S. (2010), The economics of money, banking, and financial markets (2010)
9. Werner, R.A. (2014), How do banks create money, and why can other firms not do the same? An explanation for the coexistence of lending and deposit-taking, International Review of Financial Analysis
10. Werner, R.A., A (2016), lost century in economics: Three theories of banking and the conclusive evidence. International Review of Financial Analysis 46, 361-379
11. Werner, R.A., (2014), Can banks individually create money out of nothing? —The theories and the empirical evidence. International Review of Financial Analysis 36, 1-19